

# دانشنامه جهان اسلام

ح - خ

حلبی، ابوالصلاح - خانواده

کتابخانه و مرکز اسناد  
بنیاد دایرة المعارف اسلامی

(۱۴)



شماره ثبت ۱۴۶۷۶۳

تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۸۹

زیر نظر

غلامعلی حداد عادل

معاون علمی

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۸۹

حلی از منابع مختلفی چون تاریخ طبری (ج ۱، ص ۴۳، ۱۰۲، ۱۱۰، ۲۶۲)، کتاب النوافل هشام بن کلبی (ج ۱، ص ۱۶۵)، کتاب تهذیب الأعتاب محمد بن محمد عبیدلی (ج ۱، ص ۱۶۳)، سیره ابن اسحاق (ج ۱، ص ۴۶-۴۷، ۴۹، ۶۲) و الاشتقاق ابن درید (ج ۱، ص ۵۳) و دیوان شاعرانی چون ابوتمام (ج ۱، ص ۳۳-۳۴) و ابونواس (ج ۱، ص ۳۳) بهره جسته است (برای منابع دیگر وی ← رحمتی، ص ۴۱-۴۲) و در موردی، به نقل مطلبی درباره تاریخ حیره، از منبعی مکتوب تصریح کرده است (ج ۲، ص ۵۰۰؛ برای وجود منابع مکتوب تاریخ آل منذر در حیره ← دوری، ص ۱۶). ابن طاووس (ص ۱۶۱-۱۶۳) مطلبی درباره مبارزان جنگ بدر و حنین و در فضیلت امام علی علیه السلام از حلی نقل کرده است که در متن چاپ شده المناقب المزبیدیة وجود ندارد، از این رو احتمال افتادگی از نسخه کتاب یا وجود اثر دیگری از وی وجود دارد.

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: الثقات العیون فی سادس القرون، چاپ علی نقی منزوی، بیروت ۱۳۹۲/۱۹۷۲؛ ابن طاووس، بناء المقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانية، چاپ علی عدنانی غریفی، قم ۱۴۱۱؛ ابن مشهدی، المزار الکبیر، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۹؛ عبداللّه بن عیسی افسندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱؛ حسن انصاری قمی، کتابی تاریخی از یک مؤلف ناشناخته، نشر دانش، سال ۱۶، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۸)؛ هیبة اللّه بن ناصر حلی، کتاب المناقب المزبیدیة فی اخبار الملوک الأسدیة، چاپ صالح موسی درادکه و محمد عبدالقادر خریسات، عمّان ۱۹۸۴/۱۴۰۴؛ عبدالعزیز دوری، بحث فی نشأة علم التاريخ عند العرب، بیروت ۱۹۸۳؛ محمدکاظم رحمتی، «تاریخ نگار گمنام شیعی: ابوالبقاء هیبة اللّه حلی و کتاب المناقب المزبیدیة فی اخبار الملوک الأسدیة»، کتاب ماه دین، سال ۷، ش ۶ و ۷ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳)؛ محمد بن حسن طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰؛ مجلسی: احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر بر رجال النجاشی، چاپ موسی شنبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم ۱۴۰۷-۱۴۰۸.

/ محمدکاظم رحمتی /

### حلی، حسن بن سلیمان، محدث و فقیه شیعی قرن

هشتم و نهم. کنیه اش ابومحمد و ملقب به عزالدین بود. حرّ عاملی (قسم ۲، ص ۶۶) نام محمد را در نسب او ذکر نکرده و در واقع وی را به جدّ اعلایش منتسب ساخته است (آقابزرگ طهرانی، الذریعة، ج ۲۰، ص ۱۸۳). برخی او را عاملی، منسوب به جبل عامل، خوانده‌اند (← امین، ج ۵، ص ۱۰۶؛ صدر، ج ۱، ص ۱۰۳؛ آقابزرگ طهرانی، طبقات

حلی بارها روایات و برخی مطالب کتاب خود را به روایت شاگردان شیخ طوسی، هرچند بدون تصریح به نام آنها، آورده است، از جمله مهم‌ترین این موارد نقل مطالبی از کتاب وقعة الصفین نصرین مزاحم منقروی است که او این مطالب را به همان طریقی که شیخ طوسی (ص ۴۸۲) ذکر کرده، روایت کرده است (← حلی، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۲۵). در مواردی هم بدون ذکر سند، عبارتهای بلندی از وقعة الصفین، با تذکر به نقل مطلب از نصرین مزاحم، آورده است (برای نمونه ← همان، ج ۱، ص ۷۲). همچنین حلی (ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۳، ۳۴۷) مطالبی را به طریق خود از عالم امامی، احمد بن ابراهیم عمّی بصری (برای شرح حال و آثار وی ← نجاشی، ص ۹۶؛ طوسی، ص ۷۱)، روایت کرده است. بنابراین، او به جز مشایخ حله، از مشایخ کوفه و بغداد و بصره نیز بهره برده است. او اهل شعر نیز بود و اشعاری در مدح سیف الدوله صدق‌بن منصور دبسی (حک: ۴۷۸-۵۰۱)، امیر مؤیدی حله\*، سروده است (← حلی، ج ۱، ص ۳۶۱، ج ۲، ص ۴۳۰).

متن المناقب المزبیدیة براساس تنها نسخه شناخته شده آن، با تحقیق صالح موسی درادکه و محمد عبدالقادر خریسات (عمان ۱۹۸۴/۱۴۰۴)، منتشر شده و بار دیگر، مرکز شیخ زاید لترات و التاريخ (امارت عربی متحده ۲۰۰۰) آن را تجدید چاپ کرده است. از آنجا که در نسخه خطی، فقط نام وی به صورت شیخ رئیس ابوالبقاء هیبة اللّه حلی آمده است، مصححان به خطا کتاب را به ابوالبقاء محمد بن هیبة اللّه بن نما حلی نسبت داده‌اند. برخی نیز با بررسی اسناد کتاب و ذکر دلایلی نشان داده‌اند که مؤلف این کتاب ابوالبقاء هیبة اللّه بن ناصر بن حسین بن نصر/ نصیر حلی است (← انصاری قمی، ص ۸۱-۸۲؛ رحمتی، ص ۴۰-۴۱؛ بررسی کامل تر اسناد کتاب ← رحمتی، ص ۳۹-۴۰). براساس اشاره‌ای در کتاب (← ج ۲، ص ۴۲۶)، حلی تا بعد از درگذشت سلطان سنجر سلجوقی در ۵۵۲، در قید حیات بوده و کتاب خود را پس از این تاریخ نگاشته است، هرچند احتمال بیشتر آن است که این عبارت افزوده کاتب باشد. حلی به نام برخی از دیوانیان و رجال حکومت صدق‌بن منصور، چون ابونصر محمد بن علی بن جیّاء (← ج ۱، ص ۵۱-۵۳) و سهیل (از موالی صدق‌بن منصور؛ ج ۲، ص ۵۰۳) اشاره کرده است. المناقب المزبیدیة علاوه بر آنکه اثری منحصر به فرد درباره خاندان شیعی بنومزید حله، خاصه صدق‌بن منصور دبسی است (← ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۳، ج ۲، ص ۴۲۵-۴۳۱، ۴۹۵-۵۰۰)، اهمیت فراوانی برای محققان تاریخ صدر اسلام و جاهلیت، تاریخ عراق پیش از اسلام و ملوک حیره\* و مناسبات ایشان با دربار ساسانی و خاندان آل منذر در حیره دارد.

الحقائق الراهنة، ص ۴۰)، اما حرّ عاملی نام وی را در میان علمای جبل عامل نیاورده و از او در بخش دوم *امل الامل*، که شامل علمای غیرعاملی است، یاد کرده است. از تاریخ ولادت و وفات و سوانح حیات وی اطلاع دقیقی در دست نیست. احتمالاً پیش از ۷۴۲ به دنیا آمده و پس از ۸۰۲ درگذشته است (به ادامه مقاله). آقابزرگ طهرانی (*طبقات: الضیاء اللامع*، ص ۳۴) زادگاه وی را حلّه دانسته، اما با توجه به قولی که او را جبل عاملی می‌داند و نیز اقامتش در قم، احتمال اینکه یکی از این دو شهر زادگاه او باشد نیز وجود دارد (حلی، ۱۳۷۰، مقدمه محمدعلی اردوبادی غروی، ص ۲).

حلی از مهم‌ترین شاگردان شمس‌الدین محمدبن مکی، معروف به شهید اول\*، بود و به همراه پنج تن دیگر، در شعبان ۷۵۷ از او اجازه روایت دریافت کرد (امین، همانجا؛ آقابزرگ طهرانی، *طبقات: الحقائق الراهنة*، ص ۴۱) و در همان مدت کوتاه حیات شهید، در کنار فقیهان مشهوری چون فاضل مقداد\*، از محضر وی بهره برد (صدر، ج ۱، ص ۳۳۶). استادان و مشایخ دیگر او، محمدبن ابراهیم مظارآبادی (افندی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۴)، سید بهاء‌الدین نیلی\* و رضی‌الدین علی بودند (امین، همانجا). مجلسی (ج ۱، ص ۳۳) حلی را از نظر علم و فقاہت ستوده و همه آثار او را درخور اعتماد دانسته است. حلی در زمره سلسله روایان صحیفه سجادیه نیز قرار دارد، چنان‌که براساس سنّدی، جدّ شیخ بهائی، شمس‌الدین محمد جبعی (متوفی ۸۸۶)، این کتاب را از شیخ علی‌بن محمدبن علی از سید تاج‌الدین عبدالحمیدبن جمال‌الدین احمدبن علی هاشمی از حسن بن سلیمان حلی روایت کرده است (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۲۱۳؛ آقابزرگ طهرانی، *طبقات: الضیاء اللامع*، همانجا). به گزارش خوانساری (ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۴)، حلی در محرم ۸۰۲ اجازه روایت کتاب خصال صدوق را به شاگردش، عزالدین حسین بن محمدبن حسن حمویانی / جوینی، داده که این نسخه همراه با اجازه حلی موجود است (در این باره به سامی حائری، ص ۱۰۹، ۱۱۴). در کتابهای رجال و تراجم غیر از حمویانی و تاج‌الدین عبدالحمیدبن جمال‌الدین احمدبن علی هاشمی زینی، شاگرد و راوی دیگری برای حلی ذکر نشده است. از حلی چند اثر باقی‌مانده که مشهورترین آنها منتخب یا مختصر بصائرالدرجات است. در میان منابع کهن روایی شیعه، دو کتاب با نام *بصائرالدرجات*\* موجود است: یکی تألیف مشهور محمدبن حسن بن فروخ صفار قمی\* (متوفی ۲۹۰) و دیگری تألیف سعدبن عبدالله اشعری\* (متوفی ۲۹۹ یا ۳۰۱) که گویا اصل آن در دست نیست، گرچه اساس کار حلی بر آن بوده است. مشتاق مظفر (به حلی، ۱۴۲۱، مقدمه، ص ۳۰-۳۳)، براساس احتمال افندی اصفهانی (ج ۱، ص ۱۹۴)، با دلایل و

شواهد نشان داده که بصائر سعد مختصر بصائر صفار بوده است، اما برخی این رأی را رد کرده حکم به استقلال دو اثر مذکور داده‌اند (به امین، ج ۵، ص ۱۰۷؛ آقابزرگ طهرانی، *الذریعة*، ج ۳، ص ۱۲۴). منشأ این اختلاف، عبارتی است که حلی در ابتدای کتابش، *اثبات الرجعة*، آورده است (برای تفصیل بیشتر به حلی، ۱۴۲۱، همان مقدمه، ص ۲۸-۳۳). آنچه مسلم است اینکه حلی اختصار خود را براساس *بصائرالدرجات* سعدبن عبدالله اشعری انجام داده است. مختصر حلی شامل احادیثی درباره فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام است. وی علاوه بر انتخاب احادیث سعد، اخبار دیگری را، از منابع گوناگون و با طرق دیگر، به آنها افزوده و برای جلوگیری از اشتباه با احادیث سعد، نام منابع را ذکر کرده است. از *رسالة الرجعة و الرد علی اهل البدعة حلی* نیز یاد شده (امین، ج ۵، ص ۱۰۷) که همان کتاب *مختصر البصائر* است (حلی، ۱۴۲۱، همان مقدمه، ص ۲۴-۲۵).

اثر دیگر او، کتاب *المختصر* است در اثبات اینکه محضر در حال احتضار، پیامبر و امامان علیهم‌السلام را رؤیت حقیقی می‌کند. وی در این کتاب، آرای شیخ مفید (ص ۸۵-۸۶) را که احادیث مرتبط با این موضوع را تأویل کرده، رد نموده (به حلی، ۱۳۷۰، الف، ص ۲-۱) و به ذکر مطالب متنوعی، چون مناقب اهل بیت و شیعیان آنها و طعن برخی از مخالفانشان، پرداخته است. از این کتاب به *المختصر و مآیراه فی حال الاحتضار*، و مناقب الاثمه نیز یاد شده است (آقابزرگ طهرانی، *الذریعة*، ج ۲۲، ص ۳۲۱). این رساله، به همراه *الرجعة و مختصر البصائر*، از منابع مجلسی در تألیف *بحارالانوار* (ج ۱، ص ۱۶) بوده است (خوانساری، ج ۲، ص ۲۹۳). *المختصر* در ۱۳۳۰ ش / ۱۹۵۱ در نجف، به تحقیق محمدعلی اردوبادی غروی، به چاپ رسید.

حلی رساله کوتاهی درباره برتری امامان بر انبیا و فرشتگان نوشته که در آن با آرای شیخ مفید در *اوائل المقالات* (ص ۸۱-۸۳؛ نیز به طوسی، ص ۳۲۸)، که قائل به خلاف این موضوع بوده، مناقشه کرده است (افندی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ نیز به آقابزرگ طهرانی، *طبقات: الضیاء اللامع*، ص ۳۴).

*رسالة فی احادیث الذر* اثر دیگری از حلی است که با نام *ملحق مختصر البصائر* در ۱۳۷۹ ش / ۱۴۲۱ در قم منتشر شده است.

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ همو، *طبقات اعلام الشیعة: الحقائق الراهنة فی المائة الثامنة*، چاپ علی‌نقی منزوی، بیروت ۱۹۷۵؛ همان: *الضیاء اللامع فی القرن التاسع*،



حسن سعید تهرانی،  
محمدتقی حکیم و  
محمدسعید حکیم.  
حلی فردی دقیق،  
مسلط بر مبانی فقهی و  
اصولی گوناگون و  
خوش بیان بود و بسیار  
عمیق و محققانه و به  
شکل دسته‌بندی شده و  
منظم تدریس می‌کرد.



شیخ حسین حلی

او را پسر هیزکار،  
خوش خلق و متواضع توصیف کرده و گفته‌اند که از ریاست و  
زعامت دوری می‌جست. حلی در ۱۳۵۳/۱۳۹۴ ش در نجف  
درگذشت (← آل‌محبوبه، همانجا؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴،  
قسم ۲، ص ۶۰۳-۶۰۴؛ امینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۴۲؛ نیز ←  
حکیم، ص ۸۱، پانویس؛ طباطبائی حکیم، همانجا).

حلی چندین اثر در فقه و اصول تألیف کرده است. برخی آثار  
فقهی او که تعدادی از آنها درباره موضوعات جدید است،  
عبارت‌اند از: رساله فی اخذ الأجرة علی الواجبات، رساله  
فی الحاق ولد الشبهة بالزواج الدائم، رساله فی حکم بیع  
جلد الضب و طهارته و قبوله التذکبة، رساله فی عمل اهل  
کل افق علی افعالهم و حکم المسافر بالطائرة من بلاد الی  
اخری، رساله فی معامله الدینار بأزید منه و رساله فی معامله  
الیانصب و الیمة الشائعة فی هذا العصر. رساله فی الوضع،  
رساله فی قاعدة الفراش، و رساله فی قاعدة من ملک از دیگر  
آثار اصولی و فقهی اوست. همچنین او اثری مبسوط در دو جلد با  
عنوان السؤال و الجواب، درباره موضوعات گوناگون از جمله  
تفسیر، فقه، اصول فقه، لغت و ادبیات تألیف کرده است. حلی بر  
برخی آثار مهم نیز حاشیه نوشته است (آل‌محبوبه، ج ۳،  
ص ۲۸۳-۲۸۴؛ نیز ← موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قسم ۱،  
ص ۲۲۲-۲۲۳).

شماری از شاگردان حلی تقریرات درسهای فقه و اصول او را  
تدوین کرده‌اند که مشهورترین آنها بحوث فقهیه، اثر عزالدین  
بحرالعلوم است. این اثر حاصل درسهای حلی درباره برخی  
مسائل جدید فقهی، از جمله بیمه، بلیت بخت‌آزمایی، اوراق  
نقدی، عملیات بانکی، سرقفلی، احداث راهها و خیابانهای  
جدید، قاعده الزام و حقوق زوجیت و آثار وضعی آن است.  
مؤلف با بهره‌گیری از منابع جدید، نکاتی را به دروس حلی  
افزوده و پاره‌ای از مباحث کتاب را با پرسش و استفتا از  
حلی تألیف کرده است (← بحرالعلوم، ص ۱۱-۱۲). این اثر  
نخستین بار در ۱۳۸۴/۱۳۴۳ ش در نجف و پس از آن، بارها در

چاپ علی‌نقی منزوی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی،  
ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱-؛  
امین؛ محمد بن حسن حر عاملی، امل الآمل، چاپ احمد حسینی،  
بغداد [۱۳۸۵؟]، چاپ افست قم ۱۳۶۲ ش؛ حسن بن سلیمان حلی،  
المختصر، [چاپ محمدعلی اردوبادی غروی]، نجف ۱۳۷۰ الف؛ همو،  
مختصر البصائر، چاپ مشتاق مظفر، قم ۱۴۲۱؛ همو؛ مختصر بصائر  
الدرجات، نجف ۱۳۷۰؛ خوانساری؛ محمد سامی حائری، «اجازة الشیخ  
حسن الحلی للجویانی»، تراثنا، سال ۳، ش ۱ (محرم - ربیع الاول ۱۴۰۸)؛  
حسن صدر، تکملة امل الآمل، چاپ حسین علی محفوظ، عبدالکریم  
دباغ، و عدنان دباغ، بیروت ۲۰۰۸/۱۴۲۹؛ محمد بن حسن طوسی،  
الرسائل العشر، قم [۱۴۰۳؟]؛ مجلسی؛ محمد بن محمد مفید، اوائل  
المقالات فی المذاهب و المختارات، چاپ عباسقلی ص. وجدی  
(واعظ چرندابی)، تبریز ۱۳۷۱، چاپ افست قم [بی‌تا].

/ مهرداد عباسی /

## حلی، حسن بن یوسف ← علامه حلی،

حسن بن یوسف

**حلی، حسین**، فقیه بزرگ امامی قرن چهاردهم. او اصالتاً  
اهل عیفار (منطقه‌ای در عراق، در نزدیکی حله\*) و از  
طایفه‌ای مشهور به طفیل بود. پدرش، علی بن حسین حلی  
(متوفی ۱۳۴۴) عالمی پرهیزکار و از شاگردان محمد طه نجف،  
در جوانی حله را ترک کرد و در نجف سکنا گزید (←  
آل‌محبوبه، ج ۳، ص ۲۸۳-۲۸۴؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴،  
قسم ۴، ص ۱۴۲۳-۱۴۲۴).

حسین در حدود ۱۳۰۹ در نجف به دنیا آمد. او پس از  
آموختن خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم حوزوی روی آورد  
و پس از فراگرفتن دروس مقدماتی و میانی و عالی، به تحصیل  
در دوره خارج فقه و اصول پرداخت. مهم‌ترین و اصلی‌ترین  
استاد او در این مرحله میرزا محمد حسین نائینی\* بود که حلی  
دوره‌ای طولانی در جلسات درس وی حضور یافت و از  
شاگردان برجسته و نزدیک او بود. حلی مدتی نیز در جلسات  
درس آقا ضیاء‌الدین عراقی\* شرکت کرد (آل‌محبوبه، ج ۳،  
ص ۲۸۳؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴، قسم ۲، ص ۶۰۳؛ نیز ←  
طباطبائی حکیم، ج ۳، ص ۵۴).

حلی در فقه و اصول به رتبه بالایی رسید و مجتهد  
برجسته‌ای شد. او سالهای طولانی تدریس کرد و شاگردان  
بسیاری پرورش داد، از جمله علی بن اسدالله غروی تبریزی،  
سیدعزالدین بن علی بحرالعلوم، سیدرضی بن محمد حسین  
شیرازی، جعفر بن باقر آل‌محبوبه، سیدمحمد مهدی بجنوردی،  
سیدعبدالرسول جهرمی شیرازی، ابراهیم بن صفرعلی مشکینی،